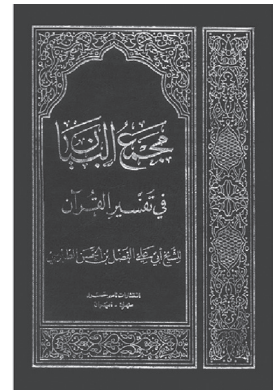


«مجمع البیان» طبرسی؛ دایرةالمعارف دانش‌های قرآن

عبدالحسین توکلی طرقي

بی‌گمان سیر حرکت در بستر جاری تفسیر و ره‌پویه در صراط مستقیم فهم کلام حق هرگز ایستایی نخواهد داشت، قرآن برای هدایت انسان‌ها، با هر مبلغ و میزان از علم و دانش و معرفت که داشته باشند فرود آمده است. قرآن هم‌نوا با سیر شب و روز، و هم‌سفر با عصرها و نسل‌ها جریان دارد. همواره فهم‌های نو بر نو را برمی‌تابد و در امتداد زمان نورافشانی می‌کند. کهنگی نمی‌پذیرد و پایان ندارد. تدوین تفسیر مجمع‌البیان، فقط پیوند اسلوب قدیم و جدید و پایان‌دهنده یک آغاز (تفسیر نقلی) و آغازگر یک پایان (تفسیر تحلیلی، عقلی، ادبی و ...) و در شمار اندک تفسیرهای متمایز و برجسته‌ای است که دارای اسلوب، متد و سبک و سیاق منسجم، عالمانه و در خور اعتناست؛ اسلوب و روشی که گذشت زمان قدر و منزلت آن را فرونگاسته و قرآن‌پژوهی معاصر، با آن که بر پشته‌ای از تجربه میراث فکری تفسیری ایستاده است در رهیافت‌های تفسیری و فهم معارف قرآنی از آن بی‌نیاز نیست.



از مجمع‌البیان همراه با افزوده‌هایی برگرفته از کشف بود تألیف کرد. این کتاب را شیخ طبرسی در سال ۵۴۲ و در مدت یک سال به تحریر درآورد.

آغاز گر حرکت تفسیری نوین

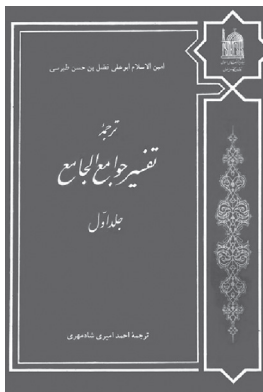
طبرسی هرچند در دستاوردهای تفسیری خود نوآوری و پیشاهنگی نداشته و بیشتر به روایتگری و حکایتگری پرداخته و چنان که خود در پیشگفتار مجمع می‌نویسد جا بر جای پای دیگرانی چون شیخ الطایفه نهاده و او را قدوه خویش می‌خواند، اما بی‌تردید آغازگر حرکت تفسیری نوین و پایه‌گذار تدوین تفسیر سامانمند بوده است. او در روایتگری صادق و امین، و در ارزیابی تیزبین و نقاد، و در خوانش متن همه‌سونگر بوده، در نقد دیگران جانب انصاف و اعتدال را پاس می‌داشت. در گزینش و چینش گفته‌ها و نوشته‌های مفسران، تافته‌ای نیکوبافته که پیش از او و پس از او ماند آن را نیاورده‌اند. در کنار این همه اما، هرگز مقلد و پیرو نبوده بلکه خود به عبارتی سنجی انگاره‌های کلامی، فقهی، معرفتی، ادبی و تاریخی و نقطه نظرات پیشینیان پرداخته است. او در عصری می‌زیسته که عالمان فرقه‌های مختلف تنها به باورهای خود اعتنا داشتند و از نقل سخن مخالف خود پروا می‌کردند، اما او از این کار پروایی نداشت. برخلاف بسیاری از مؤلفان از طعن و اعتراض و تحقیر نسبت به مخالفان خود پرهیز دارد، چندان که در آغاز تفسیر جوامع از زمخشری که

ولادت طبرسی در سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ هجری گویا در مشهد بوده. درگذشت او بنا بر مشهور در سال ۵۴۸ در سبزوار که حدود ۲۵ سال آخر عمر را در آن گذرانیده اتفاق افتاده است. پس از وفات، پیکر او به مشهد انتقال یافت و در محلی نزدیک حرم رضوی که آن زمان به نام قتلگاه شناخته می‌شد به خاک سپرده شد. در آوانگاری شهرت طبرسی اختلاف شده است و نام دقیق مؤلف مجمع‌البیان، طبرسی است که عربی گردانیده تفرشی است و تفرشی منسوب به شهری در نزدیک قم و اراک است که شیخ ما بدان جا انتساب دارد. (۱) طبرسی چنان که معروف است سه کتاب در زمینه تفسیر نگاشته که نخستین آنها «مجمع‌البیان لعلوم القرآن» - چنان که خود در مقدمه آورده است - با «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن» است؛ - چنان که مترجمان و فهرست‌نویسان نگاشته‌اند. این کتاب در سال‌های ۵۳۰ تا ۵۳۴ یا ۵۳۶ تدوین شده و طبرسی از آن با نام تفسیر کبیر یاد می‌کند. نیز از آن جا که طبرسی در هنگام نگارش مجمع‌البیان، بر کشف زمخشری دست نیافته بود، پس از دستیابی به کشف، تفسیری به نام «الکافی الشافی» تحریر کرد که در نظم و سبک، به سان کشف بوده و در مطالب نیز از آن بهره فراوان برده چنان که گویی گزیده کشف بود. سپس در سال‌های واپسین عمر به پیشنهاد و اصرار فرزندش حسن بن فضل، صاحب مکارم الاخلاق، تفسیر جوامع‌الجامع را که تلخیص

نگارنده تفسیر مجمع‌البیان از عقل و نقل (کتاب و سنت) به گونه متعادل و متوازن سود جسته و در بهره‌وری از روایات تفسیری تنها به روایات موجود در متون و اصول روایی شیعی بسنده نکرده، بلکه از روایات اهل سنت نیز مدد گرفته است.

طبرسی در بهره‌وری از آیات تفسیری راه میانه را پیموده و از نادیده‌انگاری، یا زیاده‌روی در نقل روایات پرهیز کرده است.

«مجمع البیان» و
«جوامع الجامع» از جمله
آثار بر جای مانده از مرحوم
طبرسی است. این دو اثر
که در راستای آشنا ساختن
مسلمانان با معارف بلند قرآن و
دانش‌های قرآنی سامان گرفته
از مهمترین و بهترین آثار
قرآن پژوهی است.



طبرسی در پیشگفتار مجمع
می‌نویسد جا بر جای
پای دیگرانی چون شیخ
الطایفه نهاده و او را قدوه
خویش می‌خواند.

بلکه متواتر ثقلین را نقل می‌کند، می‌افزاید، «من سند این
گونه روایات را برای اختصار و کوتاه شدن سخن و نیز شهرت
آنها نزد ارباب حدیث، حذف می‌کنم.» (۲) نمونه این روش را
در تفسیر آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه می‌توان دید، او در تبیین
مفهوم واژه «سانحون»، نظر ابن عباس، ابن مسعود، حسن
سعید بن جبیره و مجاهد را نقل می‌کند و می‌نویسد: «در
روایت مرفوع از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: سیاحت
امت من روزه گرفتن است.» (۳)

گفت و گو با امام

وی پس از تفسیر آیه، داستان گفت‌وگوی زهری و امام
سجاد (ع) را در مسیر مکه بی‌هیچ اشاره‌ای به سند روایت
چنین نقل می‌کند: زهری در مسیر راه حج به علی بن الحسین
(ع) برخورد و به امام گفت: «جهاد و دشواری آن را وانهاد و
به حج روی آوردی، حال آن که خداوند می‌فرماید: «ان الله
اشتری من المؤمنین اموالهم و انفسهم». امام در پاسخ، جواب
داد: آیه پس از آن را بخوان: «التائبون العابدون...» و سپس
افزود: هرگاه کسانی با این ویژگی‌ها را یافتیم، جهاد در رکاب
ایشان از حج برتر است. (۴)

مؤلف تفسیر مجمع البیان احکام فقهی را که به صورت
روشن و بی‌تکلف قابل استنباط از قرآن کریم است، با جوانب
مختلف آن یادآور می‌شود و در بیشتر موارد آرا و نظریه‌های
اصحاب، تابعان و مذاهب فقهی اسلامی را نیز می‌آورد و
هرگاه در آن حکم شرعی اختلاف نظر باشد، منصفانه
دیدگاه‌های گونه‌گون را بی‌آن که در مقام داوری برآید بیان
می‌کند.

بهترین آثار قرآن پژوهی

«مجمع البیان» و «جوامع الجامع» از جمله آثار بر جای
مانده از مرحوم طبرسی است. این دو اثر که در راستای آشنا
ساختن مسلمانان با معارف بلند قرآن و دانش‌های قرآنی
سامان گرفته از مهمترین و بهترین آثار قرآن پژوهی است.
ویژگی‌های فراوان این دو اثر، زمینه‌ساز رویکرد بسیاری از
مفسران و قرآن پژوهان به آنها گشته، به گونه‌ای که مفسران،
تفسیر مجمع و جوامع را بسیار ارج می‌نهند و در جای‌جای
آثار خویش از آنها سود می‌جویند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- ک: مقدمه آیت‌الله شهید قاضی طباطبایی بر جوامع الجامع؛
مقدمه میرزا محمدباقر مازندرانی بر شرح شواهد مجمع البیان
تألیف میرزا طاهر قزوینی؛ کتاب طبرسی و مجمع البیان نوشته دکتر
حسین کردیان و مقدمه دکتر ابوالقاسم گرجی بر جوامع الجامع
چاپ دانشگاه تهران.

۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،
۱۰/۲-۱.

۳- همان، ۵-۷۶/۶.

۴- پیشین.

حنفی و معتزلی است به نیکی و بزرگی یاد می‌کند و با دریدن
حجاب معاصرت، اثر او را می‌ستاید.

سبک تفسیر قرآن به قرآن

اما با تسلط فراوان بر آیات قرآنی، برای تفسیر یک آیه
از آیه‌های دیگر سود می‌جوید و بدینسان جلوه‌های سبکی
پسندیده تفسیر قرآن به قرآن را به نمایش می‌گذارد.

شیخ طبرسی نمونه عالمان متقدم شیعی است که
مجمع البیان وی دایرةالمعارفی از دانش‌های مختلف قرآنی
است. سوگمندان در سده‌ای پس از وی، تألیف در خور
توجهی پس از مجمع البیان در میان عالمان شیعه دیده
نمی‌شود؛ جز در چند دهه اخیر که خوشختانه رویکرد دوباره
به دانش‌های پیرامونی قرآن چون تاریخ قرآن و دیگر علوم
قرآنی رواج یافته و کتب ارزشمندی از سوی عالمان شیعی
تألیف شده است.

مجمع البیان طبرسی را به عنوان بهترین متن آموختنی
در رشته تفسیر می‌توان شناساند که در این ویژگی در خور
سنجش با هیچ متن دیگری نیست. گویی نویسنده آن را
برای تدریس در حوزه‌های کنونی تفسیر نگاشته است.

نگارنده تفسیر مجمع البیان از عقل و نقل (کتاب و سنت)
به گونه متعادل و متوازن سود جسته و در بهره‌وری از روایات
تفسیری تنها به روایات موجود در متون و اصول روایی شیعی
بسنده نکرده، بلکه از روایات اهل سنت نیز مدد گرفته است.
او با ابزار دانش، اعراب، نحو، لغت، بلاغت و بیان، قرائت،
اسباب نزول و آرای اصحاب و تابعان، حجاب از چهره
آیات قرآنی برمی‌گیرد و مفهوم و مراد کلام الهی را نمودار
می‌سازد. او می‌کوشد نگاه معتدل، بی‌طرف و منصفانه به
تمامی صاحبان اقوال و اندیشه‌های تفسیری بیفکند و بی‌آن
که دلیل و برهانی قاطع و روشن بر درستی یک نظر داشته
باشد قولی را بر گفته و دیدگاه دیگر ترجیح ندهد. اما آن گاه
که دلیل و پشتوانه استوار بر درستی یک رأی و برتری آن بر
سایر آرا و دیدگاهها داشته باشد با حفظ متانت و عفت کلام
و رعایت حرمت صاحبان اقوال مرجوع، از قول برگزیده دفاع
و برای اثبات آن استدلال می‌کند.

طبرسی در بهره‌وری از آیات تفسیری راه میانه را پیموده
و از نادیده‌انگاری، یا زیاده‌روی در نقل روایات پرهیز کرده
است. او در مواردی که از روایات یاری جسته است روایت
را با حذف سلسله سند و گاه تنها با ذکر چند نفر از سلسله
راویان نقل می‌کند، گو این که تصمیم وی بر اختصار و
اجمال تفسیر مجمع و گزیده‌گویی از یک سو و سندشناسی
که خود پیشاپیش انجام می‌داده و روایتی را بدون تنقیح سند
یا اعتبار منبع آن در تفسیرش نمی‌گنجانده انگیزه‌گزینش
این شیوه از سوی او بوده است.

او در مقدمه تفسیر مجمع البیان، آن جا که روایت مشهور